



یکشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۳ صفحه ۱۶ هزار تومان دوره سوم سال سوم شماره ۵۹۳
www.hammihaonline.ir



تبدیل جویبار به موج
گفت‌وگو با **آصف بیات** درباره علل وقوع بهار عربی
به مناسبت انتشار کتاب «انقلاب راز بستن»



اصولگر ای میان‌رو
بازخوانی سخنان و انتقادهای **محمدحسن ابوترابی**
در قبال خالص‌سازان



همچنان زنده و حاضر
یادداشتی از **احمدزیدآبادی**
به مناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد درگذشت جلال آل احمد



شماره جدید
فصلنامه
سیاست نامه
منتشر شد

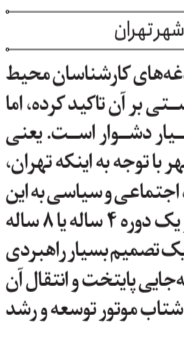
گزارش دولت ۲۰۳

نقد اظهارات دیروز رئیس جمهور درباره ضرورت انتقال پایتخت

تهران راه حل دارد



غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران
در حال حاضر در تهران هم نرخ بیکاری بالا است و هم با وضعیت نامناسب مسکن و کمبود آب و برق و گاز مواجه هستیم. اما همه این مشکلات را می‌توان از طریق تمرکززدایی از تهران رفع کرد. اگر دولت تصمیم بگیرد همه ۱۶۰ سازمان عمده دولتی و وابسته به وزارتخانه‌ها را که تمام سوابق‌شان در وزارت کشور بررسی شده و هیچ ضرورتی برای حضورشان در تهران نیست به مراکز اصلی خودش در سایر استان‌ها منتقل کند، هم زمینه اشتغال و کار در این استان‌ها فراهم می‌شود و هم زمینه یک توسعه منطقه‌ای و فرتهران. همچنین نارسایی‌ها، کمبودها و تراфик‌کننده تهران از بین رفته و اداره شهر تهران هم خیلی راحت‌تر انجام می‌شود. اما چنین اقدامی به یک اقتدار جدی مدیریتی نیاز دارد.



آرش حسینی میلانی عضو سابق شورای شهر تهران
محدودیت منابع آبی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کارشناسان محیط زیست بوده است که رئیس جمهور به درستی بر آن تاکید کرده، اما محدود کردن رشد جمعیت در تهران بسیار دشوار است. یعنی ایجاد محدودیت برای رشد جمعیت این شهر با توجه به اینکه تهران، پایتخت کشور است، عملاً از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به این راحتی مقدور نیست. به‌ویژه این اقدام در یک دوره ۴ ساله یا ۸ ساله بسیار مشکل است. چنین اقدامی نیازمند یک تصمیم بسیار راهبردی و کلان برای نظام و کشور است. یعنی جابه‌جایی پایتخت و انتقال آن به نقطه‌ای دیگر از کشور برای اینکه اندکی شتاب موتور توسعه و رشد در تهران کمتر شود.

گزارش جامعه ۱۳۰۳

نارضایتی ۹۲ درصدی

بخش «مسائل و آسیب‌های اجتماعی» موج چهارم ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد بخش بزرگی از مردم از وضعیت امروز ایران ناراضی‌اند. ۶۱٫۶ درصد پاسخگویان معتقد بوده‌اند وضع موجود را باید با انجام اصلاحات بهتر کرد، ۳۰٫۲ درصد معتقد بودند وضع کشور قابل اصلاح نیست. در بخش اول این افکار سنجی که مربوط به مهمترین مسئله کشور است، پاسخگویان به ترتیب، گرانی و تورم را با ۸۱٫۹ درصد، بیکاری با ۴۷٫۹ درصد، اعتیاد با ۲۶٫۹ درصد، فساد اقتصادی و اداری با ۱۳٫۱ درصد، مساله مسکن با ۱۲٫۱ درصد، مساله حجاب با ۱۱٫۹ درصد، مساله ازدواج جوانان با ۱۰٫۷ درصد، مساله طلاق با ۷٫۱ درصد، کم آبی با ۵٫۷ درصد و رعایت نکردن قانون با ۴٫۷ درصد به عنوان مهمترین مسائل کنونی ایران دانسته‌اند. در این بخش، ۴٫۲ درصد هم محدودیت آزادی بیان و مطبوعات و ۲٫۶ درصد، آلودگی هوا، گرد و خاک و ریزگردها را مهمترین مسئله ایران دانسته‌اند.

یادبان قصه عشقی



بررسی استعفا و کارنامه
رئیس سازمان بورس
دولت سیزدهم
با گفتارهایی از:
فریدین آقابرزگی
احمد بیات
مهدی افشانی
کارشناسان بازار سرمایه

گزارش اقتصاد ۱۰-۱۱

سازمان فعالیت کنند با اگر به‌عنوان یک فعال بورس مشغول به کار بودند، قطعاً درآمد بیشتری خواهند داشت از این روز سازمان معمولاً به دنبال راهی برای جبران این موضوع بود. «خب! این یک دور فاسد است. می‌توانستند از ابتدا عضویت در هیئت‌مدیره و ریاست سازمان را نپذیرفتند کسی که آنان را مجبور نکرده بود؟ به‌علاوه، حقوق خود را هم اعلام نکرده‌اند که کسی بداند چقدر می‌گیرند که کم تلقی شده است. از همه مهمتر، مگر هر کس می‌آید در سیستم دولتی کار می‌کند، باید مثل بخش خصوصی حقوق بگیرد؟ از کی تا به حال بورس شرکتی خصوصی شناخته می‌شود؟ اجازه دهید که مسئله مهمتری را بیان کنیم. این آقای رئیس بورس و همکاران‌شان چقدر صلاحیت حرفه‌ای و کارشناسی برای اداره بورس را دارند که حقوق بالایی می‌خواهند؟ اگر صلاحیت داشتند، در همین مدت کوتاه چند بار به‌بای برکناری و استعفا نمی‌رسیدند. از نظر ما، حقوق بالا دادن به افراد توانا هیچ ایرادی ندارد؛ ولی آیا بورس بر حسب صلاحیت حرفه‌ای اداره شده است؟ اگر به نتایج نگاه کنیم، طبعاً نارضایتی در آن بسیار فراوان است. می‌توانیم اظهار نظر در این مورد را به کارشناسان ارجاع دهیم و در این باره داوری نکنیم؛ ولی همین تصویب واخذ وام‌رابعی برای سنجش کارایی آنها می‌گیریم. چگونه ممکن است که یک مدیر با حداقلی از آینده‌نگری متوجه تبعات این کار خودنشود؟ چطور آقایان متوجه نبودند که با سقوط بالگرد و تجدید انتخابات احتمال برکناری آنان جدی است و بنامی گرفتن چنین وامی تا باید در کنار آن جای مهر بر پیشانی خواهد ماند؟ آتش این وام آن اندازه شور شده که آشپزهای دولت پیش هم یکی یکی صدایشان در اعتراض درآمده است. کسی که متوجه این احتمال نبود، نمی‌تواند در هیچ موضوع مهمی از جمله بورس آینده‌نگر باشد. شاید یکی از دلایل ناکارآمدی وضع بورس ایران نیز همین است.

اندیشه سیاسی

حکمرانی خردمندان



محمدابراهیم انصاری لاری
استادار فارس در دولت خاتمی

«خرد» که یک واژه‌ی اصیل و ناب فارسی سره است، هم گویش روان و زیبای و بیشتر از آن معنای ژرف و گیرایش، سال‌ها و بلکه قرن‌هاست که مظلوم، مهجور و متروک مانده است. «خرد» با عقل به معنای مصطلح و رایج آن متفاوت است؛ هر چند در عرف معمول و در ادبیات غالب، این دو را مترادف می‌دانند. حکما و فلاسفه برای عقل معانی مراتب و مصادیق مختلفی ذکر کرده‌اند. ابتدایی‌ترین، سطحی‌ترین و رایج‌ترین آن، همان عقل ابزاری و سودجویانه است که به «عقل معاش» هم مشهور است و ژرف‌ترین و متعالی‌ترین مراتب آن «عقل جوهری» است که راهنمای انسان برای یافتن مفهوم واقعی زندگی و راه‌های دستیابی به سعادت و شادمانی و رخشان‌روزی حقیقی است. «خرد» اگر توافقی با عقل داشته باشد، با همین عقل جوهری است. «همان عقلی که پیامبر فرمود: «اول ما خلق الله عقل»»
که فردوسی این حدیث شریف را با زیبایی و ظرافت به رشته‌ی مرور آید از زبان شیرین فارسی کشانده: «نخست آفرینش خرد را شناس.»
همان عقلی که جوهر و ماهیت حلمی است که امام علی فرمود: «الحلم نور جوهره عقل» و بنگرید به واژه‌نامه‌های عربی و فارسی که «حلم» را مجموعه‌ای از فضایل معنا کرده‌اند.
همان عقلی که به گواهی تاریخ در اواخر دوران غزنویان که نفس‌های مکتب فکری معتزله به شماره افتاد و مکتب فکری اشاعره سر برآورد، به محقق رفت.
و همان عقلی که با ظهور سلجوقیان و ظهور نظریه‌پردازی مثل ابواسحاق اسفهرانی و امام محمد غزالی که آخرین میخ‌ها را بر تابوت معتزله کوبیدند، به کلی هم مغلوب نقل و هم مغلوب نفس شد و تا اینجای تاریخ هنوز در سپهر اندیشه‌ی ایرانیان و به‌ویژه در حوزه سیاست و حکمرانی کمتر اثری از آن می‌توان سراغ داشت.
همانطور که «خرد» با عقل به معنای مصطلح و رایج آن متفاوت است، با دانش و ادانی نیز متفاوت است. چنانکه فردوسی می‌گوید: «خرد هم‌جواب است و دانش زمین». فردوسی با این تمثیل زیبا نشان می‌دهد که همچنان که چیستی آب و خاک دیگر است، چیستی خرد و دانش هم دیگر است. یادر فرازی دیگر دانش را پاسبان شب تاریک جهل و نادانی می‌داند. اما خرد انشانه‌ی زرین بیداری جان آدمی می‌داند:
خرد دانش به شب پاسبان من است
خرد تاج بیدار جان من است
باری خرد را شاید بتوان نوعی فزائنگی، روشن‌بینی و نیروی بازشناسی خوبی از بیدی، زشتی از زیبایی، راستی از فریب، و گوهرین از دروغین دانست. گونه‌ای شعور که در سرشت همه آدمیان به ودیعت نهاده شده و ممکن است یک آموزش‌نندیده بیابان‌گرد یا کوه‌نشین به نسبت خودش و محیطش و امکاناتش و زمانه‌اش از آن مراقبت کرده و به یختگی و سختگی رسانده باشد و از آن برخوردار؛ و یک تحصیل‌کرده‌ی دانشگاه‌رفته و یا حوزه‌دیده‌ان و دینیه‌الهی رایوه و رها کرده و از آن بی‌بهره مانده باشد. هر کس به هر میزان از دانایی، توانایی و برتری برخوردار باشد؛ اما چشمه‌ی خردش تیره باشد.

عکس: علی محمدی